

## رابطه خودشیفتگی و عزت نفس با پرخاشگری و مقایسه تحولی آن در دختران نوجوان

دکتر مهرانگیز پیوسته گر\*

دکتر سیده منور یزدی\*\*

لیلا مختاری\*\*\*

### چکیده

پژوهش حاضر از نوع همبستگی و علی مقایسه‌ای می‌باشد و هدف از آن بررسی رابطه سه ویژگی خودشیفتگی، عزت نفس و پرخاشگری و مقایسه این رابطه در ابتدا، میانه و انتهای نوجوانی بود. نمونه پژوهش حاضر ۵۳۱ دانش آموز دختر (راهنمایی = ۱۷۱ نفر، دبیرستان = ۲۱۹ نفر و پیش دانشگاهی = ۱۴۱ نفر)، با دامنه سنی ۱۱ سال و پنج ماه الی ۱۷ سال و شش ماه بودند. این دانش آموزان به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند. برای ارزیابی آنها از مقیاس پرخاشگری اهواز (AAI)، مقیاس شخصیت خودشیفته (NPI) و مقیاس عزت نفس کوپراسمیت استفاده شد. داده‌ها با استفاده از تحلیل رگرسیون و تحلیل واریانس و آزمون تعقیبی شفه تجزیه و تحلیل شد. نتایج این تحلیل‌ها نشان داد بین خودشیفتگی ناسازگارانه و عزت نفس، خودشیفتگی ناسازگارانه و پرخاشگری همبستگی مثبت معناداری وجود دارد. همچنین بین خودشیفتگی، عزت نفس و پرخاشگری دختران در سه مرحله (ابتدا، میانه و انتهای نوجوانی) تفاوت معناداری وجود دارد این پژوهش پیشنهاد می‌کند که در مقابله با پرخاشگری نوجوانان، به جای تأکید بر خود شیفتگی ناسازگارانه، جهت‌گیری مداخلات بر اساس رشد ارزیابی مثبت از خود انجام شود.

### کلید واژه‌ها:

نوجوانی، خودشیفتگی، عزت نفس، پرخاشگری

## مقدمه

پرخاشگری به آمادگی برای ابراز خشم تعریف شده است (دونلان<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۰۵؛ وبستر<sup>۲</sup>، ۲۰۰۶). پرخاشگری به شیوه‌های متعددی ابراز می‌شود؛ گاهی اوقات به صورت خشم فرو خورده می‌شود و گاهی اوقات به طرف مردم دیگر و اشیاء محیطی معطوف می‌شود. رابطه خودشیفتگی و عزت نفس با پرخاشگری یکی از مباحثی است که محققان در سال‌های اخیر به آن توجه کرده‌اند (گود<sup>۳</sup>، ۲۰۰۲ و اسلاتر<sup>۴</sup>، ۲۰۰۲). گود و اسلاتر نشان داده‌اند، که بزرگ منشی با میزان بالایی از پرخاشگری کلامی رابطه دارد. وبستر (۲۰۰۶) نشان داده است، که خودشیفتگی به صورت غیر مستقیم می‌تواند در دوره نوجوانی به پرخاشگری منجر شود.

در چاپ چهارم راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی (انجمن روان‌پزشکان آمریکا<sup>۵</sup>، ۱۹۹۴)، افراد خودشیفته کسانی توصیف می‌شوند، که رؤیاهایی راجع به مهم بودن خود، موفقیت بی‌نهایت، قدرت، زیرکی و زیبایی و احساس بزرگ منشی دارند. به نظر می‌رسد، جزء بزرگ منشی خودشیفتگی در نوجوانان به پرخاشگری منجر شود (گود، ۲۰۰۲). همچنین بازخوردهای بیرونی منفی، نظیر احساس این که دیگران فرد را تایید نمی‌کنند، با پرخاشگری رابطه دارد. باری<sup>۶</sup> و همکاران (۲۰۰۹) معتقد هستند، که خودشیفتگی ناسازگارانه با خود شیفتگی سازگارانه متفاوت است، زیرا خودشیفتگی ناسازگارانه با مشکلات سلوک، پرخاشگری، و ویژگی‌های سنگدلی رابطه دارد. خودشیفتگی ناسازگارانه شامل ویژگی‌های بهره‌کشی، احساس استحقاق و خودنمایی است. خودشیفتگی ناسازگارانه، با ناسازگاری اجتماعی (باری و همکاران، ۲۰۰۹) با خودبزرگ بینی، جست‌وجوی قدرت (کرامر و جونز<sup>۷</sup>، ۲۰۰۸)، احساس زیربنایی ارزش خود پایین (کرامر و جونز، ۲۰۰۸) عزت نفس آشکار بالا و عزت نفس ضمنی پایین (کرامر و جونز، ۲۰۰۸) همبستگی قوی دارد.

- 
1. Donnellan
  2. Webster
  3. Goode
  4. Slater
  5. American Psychiatric Association
  6. Barry
  7. Cramer & Jones

بر طبق نظریه خودشیفتگی و پرخاشگری، شخص بسته به نوع خود شیفتگی او، معیاری دوگانه برای ادراک داراست. برای خود شیفته ناسازگار تنها خود او و چیزهای منسوب به او اهمیت دارد، حال آنکه بقیه جهان کم و بیش بی اهمیت یا بی رنگ است. و به علت این معیار دوگانه، شخص خودشیفته نارسایی های جدی در قضاوت نشان داده و فاقد توانایی برای قضاوت عینی است. فرد خودشیفته اغلب نه از طریق بستگی با دیگران، یا به وسیله کار یا دستاورد واقعی خود او، که به دلیل تصورات ذهنی خویش درباره کامل بودن، برتری داشتن و ویژگی فوق العاده خود نمود واقعی خود را ظاهر می کند (باتل<sup>۱</sup>، ۱۹۹۲). خودشیفتگی یکی از ویژگی های مهم برای درک و فهم جنبه های مهم رشد شخصیت نوجوان است. به علاوه هم در ادبیات نظری و هم در متون تجربی عقیده بر این است، که نوجوانان به ویژه مستعد گرایشات خودشیفتگی بوده و خودشیفتگی رشد بهنجار را از رشد نابهنجار متمایز می کند (لاپسلی و آلسما<sup>۲</sup>، ۲۰۰۶).

به عقیده بسیاری از محققان، از جمله ویژگی های مهمی که در مرحله نوجوانی بسیار تغییر می کنند، خودشیفتگی، عزت نفس و پرخاشگری است (باتل، ۱۹۹۲). نوجوانی، به سالهایی اطلاق می شود، که کودکی را به بزرگسالی می پیوندد. یعنی نوجوانی معرف دوره تغییر عمیقی است، که کودک را از بزرگسال جدا می کند. این دوره واقعاً به منزله دگرگون شدن است؛ نوجوان دائماً در تغییر است و حتی خود او با مشکل بزرگ وضع و موقع خویش مواجه است (منصور، ۱۳۷۸، ص ۱۹۶).

خودشیفتگی ویژگی شخصیتی است، که به اعتقاد بسیاری از روانشناسان در این دوره تظاهر می کند (لاپسلی و آلسما، ۲۰۰۶). خود شیفتگی مجموعه ای از ویژگی های هیجانی است که در نتیجه آن فرد خود را به عنوان موجودی برتر ادراک کرده و بیش از حد بر ارزش یا موقعیت خود در چشم دیگران تمرکز می کند (رودز<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۰۴). مفهوم سازی های نوین از خودشیفتگی تنها بر نگرش به خود متکبرانه<sup>۴</sup> ظاهری افراد خودشیفته تمرکز نمی کند، بلکه بر انگیزه آنها برای مثبت و بهتر از دیگران جلوه کردن و ارزیابی مثبت از سوی دیگران

---

1. Battle  
2. Lapsely & Aalsma  
3. Rhodes  
4. inflated self view

تمرکز می‌کند (باری و همکاران، ۲۰۰۹). از لحاظ نظری منبع گرایش‌ها خودشیفتگی در نوجوانی به تکلیف رشدی نرمال جدایی-تفرد<sup>۱</sup> مربوط است و محتاج این است که نوجوان، وابستگی‌های والدی را رها، استقلال و خودمختاری را تمرین کرده و یک خود منفرد شود، ولی درون این تعهدات با دوام روابط، واکنش‌های خودشیفتگی سر بر می‌آورند که مقارن با دفع واکنش‌های سوگ ناشی از، از دست دادن همانندسازی‌های کودکی است (کارلسون و جرد<sup>۲</sup>، ۲۰۰۹). این واکنش‌ها به حمایت نوجوان در برابر آسیب‌پذیری‌های شایع در برابر بحران انتقال رشدی منجر است (رودز و همکاران، ۲۰۰۴). محققان متعدد خاطر نشان کرده‌اند که خودشیفتگی سازگارانه با بهزیستی روانشناختی (کارلسون و جرد، ۲۰۰۹)، عزت نفس بالا (رود و همکاران، ۱۹۹۱) و خوش‌بینی (لاپسلی و آلسما، ۲۰۰۶) رابطه بسیار قوی دارند.

البته اگر پدیده جدایی/تفرد در شرایط بدی مثل والدین ناکام‌کننده یا والدین بیش از حد ارضاکنده اتفاق افتد در آن صورت خودشیفتگی شکل ناسازگارانه‌ای به خود می‌گیرد.

پینکوس<sup>۳</sup> و همکاران (۲۰۰۸) معتقد هستند همچنان که پرخاشگری افزایش می‌یابد، آسیب‌شناسی خودشیفتگی از اختلال شخصیت خودشیفته به خودشیفتگی بدخیم و به سمت جامعه ستیزی می‌رود. لاپسلی و آلسما (۲۰۰۶)، به این نتیجه رسیدند که وقتی خودانگاره برتر در نوجوانان تهدید می‌شود، بسیار خشمگینانه و پرخاشگرانه واکنش نشان می‌دهند.

زمانی که نوجوانان وارد مرحله تفکر انتزاعی می‌شوند خود را به صورت افرادی آسیب‌ناپذیر ادراک می‌کنند. ادراک آسیب‌ناپذیری خود احتمالاً به گرایش نوجوان، به منحصر به فرد دانستن خود وابسته است، که نوجوان فکر می‌کند به صورت منحصر به فردی در برابر پیامدهای رخ داده برای دیگران، ایمن است (باری و همکاران، ۲۰۰۹).

داده‌های متناقضی درباره رابطه عزت نفس و خود شیفتگی با پرخاشگری، وجود دارد. به عنوان مثال، بامیستر<sup>۴</sup> و همکاران (۲۰۰۰) اظهار کرده‌اند که عزت نفس بالا به همراه خودشیفتگی به پرخاشگری منجر می‌شود. در مقابل برخی از محققان بر این عقیده هستند که بین عزت نفس بالا و پرخاشگری رابطه منفی وجود دارد (دونلان و همکاران، ۲۰۰۵؛ وبستر، ۲۰۰۶).

- 
1. Separation-individuation
  2. Carlson & Gjerd
  3. Pincus
  4. Baumeister

عزت نفس به ادراکی اطلاق می‌شود که فرد نسبت به ارزشمند بودن خود دارد. این ادراک از تجربی ناشی می‌شود که شخص در طی دوران زندگی خود کسب کرده است (باتل، ۱۹۹۲). برخی محققان بر این عقیده هستند، که زمانی خشم برانگیخته می‌شود که عزت نفس فرد تهدید شود. تهدید عزت نفس احساس کاهش عزت نفس را باعث می‌شود که این احساس به ظهور عواطف منفی منجر شده و عواطف منفی ایجاد خشم می‌کند. در مقابل، موافقان رابطه عزت نفس بالا و پرخاشگری اظهار کرده‌اند، کسانی که به طور غیر واقع بینانه‌ای عزت نفس بالا دارند، نسبت به تهدید عزت نفس حساستر بوده و تهدید شدن عزت نفس، در آنها خشم بیشتری ایجاد می‌کند (گود، ۲۰۰۲ و استاتر، ۲۰۰۲).

هینونن و ریکنن<sup>۱</sup> (۲۰۰۵)، معتقد هستند در بزرگسالان رفتار پرخاشگرانه با عزت نفس بالا رابطه دارد. بعضی محققان بر این عقیده هستند که خودشیفتگی زیر مجموعه عزت نفس است. خصوصاً آن جنبه از عزت نفس که به طور غیر واقع بینانه بالا بوده و بی ثبات است (کرامرو جونز، ۲۰۰۸). در واقع ترکیبی از عزت نفس و خودشیفتگی ممکن است بیان‌کننده افراد در معرض خطر پرخاشگری باشند. کرامر و جونز (۲۰۰۸)، اظهار کرده‌اند، افرادی که عزت نفس و خودشیفتگی بالایی دارند، بیشترین پرخاشگری را زمانی نشان می‌دهند، که در معرض بازخورد منفی از جانب دیگران قرار می‌گیرند حال آنکه افراد با عزت نفس بالا و خودشیفتگی پایین در چنین شرایطی کمترین پرخاشگری را نشان می‌دهند.

هینونن و ریکنن (۲۰۰۵) اظهار کرده‌اند وجه تمایز رابطه عزت نفس و پرخاشگری در بالا بودن غیر واقع بینانه عزت نفس است و غیر واقع بینانه بودن عزت نفس، بهترین پیش بینی کننده پرخاشگری است (هینونن و ریکنن، ۲۰۰۵). زیرا افراد با عزت نفس بالا (به صورت غیر واقع بینانه) و خود شیفتگی بالا به مواجه شدن با بازخوردهای منفی قادر نیستند، و چنین افرادی بیشتر در معرض خطر پرخاشگری قرار می‌گیرند بامیستر (۲۰۰۰) نشان داده است که افراد دارای عزت نفس پایین، نامطمئن به خود و آشفته هستند. آنها به اجتناب از خطر تمایل دارند، در حالی که حمله کردن به دیگری به صورت برجسته یک عمل پرخطر است (بامیستر و همکاران، ۲۰۰۰). این ویژگی توضیح می‌دهد که چرا برخی از افراد پرخاشگری خود را متوجه افراد ضعیف و بی دفاع می‌کنند (باری و همکاران، ۲۰۰۷).

---

1. Heinson & Raikkonen.

از سوی دیگر با شروع نوجوانی تغییراتی در عزت نفس فرد رخ می‌دهد. خود ارزیابی‌های آنها به چالش کشیده شده، و از قضاوت‌های آنها به وسیله عوامل بیرونی انتقاد می‌شود و اغلب این دوره مرحله‌ای از کاهش ارزش خود است (هینونن و ریکونن، ۲۰۰۵).

دوره نوجوانی مرحله بحرانی رشد عزت نفس است. بعد از ۱۲ سالگی نوجوانان مثل بزرگسالان فکر می‌کنند و این مرحله‌ای است که آنها تفکر انتزاعی دارند و فرض‌های ممکن را تصور و نسبت به افکار دیگران درباره خود فکر می‌کنند. این تغییرات به ویژه درباره سال‌های اول نوجوانی صادق است. در این سنین نوجوانان وارد مرحله بلوغ می‌شوند (اسلاتر، ۲۰۰۲). در نتیجه ممکن است آنها بیشتر حساس شوند که دیگران آنها را چگونه تصور می‌کنند و اگر نوجوانان احساس کنند که دیگران آنها را تأیید نمی‌کنند در این سن ممکن است سرنوشت یا زندگی خود را منفی ببینند (اسلاتر، ۲۰۰۲).

بسیاری از محققان (هینونن و ریکونن، ۲۰۰۵)، بر این عقیده هستند، که جنسیت در ابراز پرخاشگری تأثیری ندارد و تنها شیوه ابراز رفتار پرخاشگرانه در دو جنس متفاوت است. به عنوان مثال، پسرها پرخاشگری خود را به صورت آشکار ظاهر می‌کنند (فیزیکی و یا کلامی)، حال آنکه دخترها بیشتر در روابط میان فردی با دیگران پرخاشگری خود را ظاهر می‌کنند. مثل دست انداختن دوستان و همسالان، قهر کردن و... (وبستر، ۲۰۰۶). اگرچه در زمینه تفاوت پاسخ‌های پرخاشگرانه در دو جنس اختلاف نظر وجود دارد، اما تمامی پژوهش‌ها، تقلیل پاسخ‌های «برون پرخاشگری» و افزایش پاسخ‌های «درون پرخاشگری» و «بی پرخاشگری» را با افزایش سن تأیید می‌کند.

جنسیت نیز می‌تواند بر تغییرات عزت نفس در طی سال‌های اولیه نوجوانی تأثیر گذارد. دختران به صورت پایدار کاهش‌های شدیدی را نسبت به پسران در سطوح عزت نفس خود تجربه می‌کنند (کارلسون و همکاران، ۲۰۰۹). البته به جز جنسیت، عوامل تأثیرگذار دیگر بر سطح عزت نفس نوجوان شامل سطح درآمد و عملکرد مثبت در مدرسه هستند.

درباره رابطه خودشیفتگی، عزت نفس و پرخاشگری در بزرگسالان پژوهش‌های متعددی انجام شده است (دونلان و همکاران، ۲۰۰۵)، اما درباره رابطه این متغیرها و مقایسه تحولی آنها در دوران نوجوانی پژوهش اندکی موجود است. با در نظر گرفتن این موضوع که رفتار پرخاشگرانه در دوران نوجوانی با رفتارهای ضد اجتماعی در دوران بزرگسالی ارتباط نزدیک

رابطه خودشیفتگی و عزت نفس با پرخاشگری و مقایسه تحولی آن در دختران نوجوان ..... ۱۳۳

دارد (هینونن و ریکونن، ۲۰۰۵) و پرخاشگری درگیری‌های خشونت آمیز بین افراد را باعث شده و ناراحتی و پریشانی، خود فرد و دیگران را موجب می‌شود، تحقیق درباره سازوکارهای اساسی پرخاشگری از اهمیت فوق العاده‌ای برخوردار است. لذا هدف از این پژوهش بررسی رابطه عزت نفس و خودشیفتگی و مقایسه تحولی این رابطه در دوران نوجوانی در دختران دانش آموز بوده است.

فرضیه‌های پژوهش عبارت است از:

- ۱- بین خودشیفتگی و عزت نفس رابطه وجود دارد.
- ۲- بین خودشیفتگی و پرخاشگری رابطه وجود دارد.
- ۳- بین عزت نفس و پرخاشگری رابطه وجود دارد.
- ۴- بین خود شیفتگی، عزت نفس و پرخاشگری دختران در اوایل، میانه و انتهای نوجوانی تفاوت وجود دارد.

## روش

طرح استفاده شده در این پژوهش توصیفی از نوع همبستگی و علی مقایسه‌ای است. جامعه آماری این تحقیق (۸۹۷۸۸ نفر)، کلیه نوجوانان دختر ۱۸-۱۲ ساله شهر تهران را شامل بود که در سال تحصیلی ۸۸-۸۷ در مقاطع اول راهنمایی، دوم دبیرستان و پیش دانشگاهی مشغول به تحصیل بودند. اول راهنمایی به عنوان اوایل نوجوانی، دوم دبیرستان به عنوان میانه و پیش دانشگاهی به عنوان انتهای نوجوانی در نظر گرفته شد. روش نمونه گیری در تحقیق حاضر، نمونه گیری تصادفی خوشه‌ای بود و به منظور گردآوری داده‌های مورد نیاز، از بین مناطق شهر تهران دو منطقه به طور تصادفی انتخاب شد. از دو منطقه مذکور، مراکز پیش دانشگاهی و دبیرستان هایی انتخاب شد، که هر سه رشته تجربی، انسانی و ریاضی داشتند. بر اساس جدول مورگان برای جامعه آماری بین ۷۵۰۰۰ و ۱۰۰۰۰۰ نفری حجم نمونه‌ای بین ۳۸۲ و ۳۸۴ نفری کافی است؛ بنابراین حداقل حجم نمونه ۳۸۴ نفر در نظر گرفته شد و به طور تصادفی از هر منطقه دو مدرسه و از هر مدرسه دو کلاس انتخاب شدند. از آنجا که امکان داشت برخی پرسشنامه‌ها ناقص تکمیل شوند، پرسشنامه‌ها در میان ۶۰۰ نفر از دانش آموزان اجرا شد، که در نهایت با حذف پرسشنامه‌های ناقص تعداد نمونه ۵۳۱ نفر شد. پرسشنامه‌های

مورد نظر در میان دانش آموزان به صورت گروهی اجرا شد و هر سه پرسشنامه به صورت یک جا به آنها داده شد.

### ابزار جمع آوری اطلاعات

۱- پرسشنامه شخصیت خودشیفته<sup>۱</sup>: این پرسشنامه را در سال ۱۹۷۹، راسکین و هال<sup>۲</sup> ارائه کردند و به منظور اندازه گیری تفاوت‌های فردی در جامعه غیر بیمار طراحی شده است. ساختار سؤال‌های این پرسشنامه، دوگزینه‌ای است و پاسخ دهنده باید یکی از دو گزینه بیشتر منطبق با ویژگی‌های خود را انتخاب کند. فرم کنونی پرسشنامه شخصیت خود شیفته ۴۰ سؤال دارد (راسکین ۱۹۸۸ و ۱۹۷۹؛ به نقل از جوادی، ۱۳۷۵).

راسکین، در سال ۱۹۷۹ با استفاده از روش دونیمه کردن، ضریب پایایی این پرسشنامه را ۰/۸۰ گزارش کرده است و در سال ۱۹۸۸، با استفاده از روش  $\alpha$  پایایی پرسشنامه شخصیت خود شیفته را به عنوان یک ساختار کلی ۰/۸۳ به دست آورد (جوادی، ۱۳۷۵). در مطالعه جوادی، ضریب پایایی در دختران ۰/۸۲ و در پسران ۰/۸۴ بوده است؛ به منظور بررسی پایایی پرسشنامه شخصیت خودشیفته در ایران از روش آزمون مجدد استفاده شد که ضریب به دست آمده از این بررسی ۰/۹۱ است (جوادی، ۱۳۷۵).

در تحقیق حاضر با استفاده از روش دونیمه کردن، ضریب پایایی پرسشنامه خودشیفتگی، ۰/۸۱، ضریب پایایی مقیاس خودشیفتگی سازگارانه، ۰/۷۵ و ضریب پایایی مقیاس خودشیفتگی ناسازگارانه ۰/۶۹ به دست آمد.

۲- آزمون عزت نفس کوپر اسمیت<sup>۳</sup>: این آزمون ۵۸ ماده دارد که ۸ ماده آن دروغ سنج است. این پرسشنامه از روایی و اعتبار بالایی برخوردار است. ضریب پایایی این آزمون را ۰/۸۳ و پورشافعی (۱۳۷۱) ۰/۸۵ گزارش کرده‌اند. پورشافعی (۱۳۷۱) پرسشنامه را در میان ۵۹۹ دانش آموز راهنمایی مناطق ۱۹ گانه تهران اجرا کرد و ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۷ را به دست آورد. در پژوهش ذوالفقاری (۱۳۷۶) نیز ضریب آلفای ۰/۸۵ به دست آمد ذوالفقاری (۱۳۷۶)؛ در پژوهش حاضر ضریب پایایی این پرسشنامه با استفاده از روش دو نیمه کردن، ۷۸٪ به دست آمد.

1. Narcissistic Personality Inventory(NPI)

2. Raskin & Hall

3. CoPpersmith



رابطه خودشیفتگی و عزت نفس با پرخاشگری و مقایسه تحولی آن در دختران نوجوان ..... ۱۳۵

۳- مقیاس پرخاشگری اهواز<sup>۱</sup>: این پرسشنامه را زاهدی فر (۱۳۷۵) ساخته است و مشتمل بر ۳۰ ماده است که چهارده ماده آن عامل خشم و هشت ماده آن عامل تهاجم و هشت ماده، عامل کینه توزی را می‌سنجد. ضرایب بازآزمایی به دست آمده بین نمره های آزمودنی ها در دو نوبت  $r=0.70$  بوده است. همچنین در این مقیاس ضریب آلفای کرونباخ  $\alpha=0.874$  بوده است (زاهدی فر ۱۳۷۹). برای سنجش اعتبار مقیاس از اجرای همزمان چند مقیاس همزمان از جمله آزمون چند جنبه ای شخصیت مینه سوتا<sup>۲</sup> استفاده شد. که ضرایب همبستگی این مقیاس با مقیاس نامبرده معنادار بود. در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که ضرایب اعتبار این مقیاس رضایت بخش است (زاهدی فر، ۱۳۷۹). شایان ذکر است که با استفاده از روش دو نیمه کردن، ضریب پایایی پرسشنامه مذکور در تحقیق حاضر، ۰.۸۳٪ به دست آمد.

### یافته‌ها

جدول ۱ اطلاعات توصیفی مربوط به خود شیفتگی، عزت نفس و پرخاشگری رادر نمونه بررسی شده نشان می‌دهد.

جدول ۱: آمار توصیفی نمرات خود شیفتگی، عزت نفس و پرخاشگری با تفکیک گروه‌ها

| متغیر      | دانش آموزان  | میانگین | انحراف معیار |
|------------|--------------|---------|--------------|
| خود شیفتگی | راهنمایی     | ۱۶/۹۵   | ۵/۶۰         |
|            | دبیرستان     | ۱۷/۸۷   | ۹/۰۷         |
|            | پیش‌دانشگاهی | ۱۸/۱۷   | ۶/۲۱         |
|            | کل           | ۱۷/۶۵   | ۷/۳۷         |
| عزت نفس    | راهنمایی     | ۲۹/۵۷   | ۷/۴۰         |
|            | دبیرستان     | ۳۲/۱۸   | ۷/۵۱         |
|            | پیش‌دانشگاهی | ۳۲/۹۵   | ۸/۱۲         |
|            | کل           | ۳۱/۵۱   | ۷/۷۵         |
| پرخاشگری   | راهنمایی     | ۴۴/۷۴   | ۱۲/۳۸        |
|            | دبیرستان     | ۴۴/۷۴   | ۱۲/۳۸        |
|            | پیش‌دانشگاهی | ۴۱/۲۰   | ۱۲/۵۵        |
|            | کل           | ۴۳/۹۵   | ۱۲/۶۹        |

1. Ahvaz Aggression Inventory (AAI)
2. The Minnesota Multiphasic Personality Inventory (MMPI)

جدول ۱ میانگین نمرات افراد را در زمینه خودشیفتگی، عزت نفس و پرخاشگری با تفکیک گروه‌ها در مقاطع گوناگون تحصیلی نشان می‌دهد. با توجه به نمرات ارائه شده، بیشترین میزان خودشیفتگی را پیش‌دانشگاهی‌ها ( $M=18/17$  و  $SD=6/21$ ) دارند. همچنین جدول ۱ بیان‌کننده آن است که میانگین نمرات آزمودنی‌ها در خودشیفتگی از مقطع راهنمایی به پیش‌دانشگاهی افزایش می‌یابد.

میانگین نمرات عزت نفس نیز از راهنمایی به پیش‌دانشگاهی افزایش نشان می‌دهد. کمترین عزت نفس در دوره راهنمایی ( $M=29/57$  و  $SD=7/40$ ) و بیشترین آن در دوره پیش‌دانشگاهی ( $M=32/95$  و  $SD=8/12$ ) دیده می‌شود. بدین ترتیب میانگین نمرات آزمودنی‌ها در عزت نفس از مقطع راهنمایی به پیش‌دانشگاهی افزایش می‌یابد.

بیشترین پرخاشگری در دوره راهنمایی ( $M=44/74$  و  $SD=12/38$ ) دیده شده و کمترین میزان پرخاشگری در دوره پیش‌دانشگاهی ( $M=41/20$  و  $SD=12/55$ ) دیده می‌شود. این نتایج نشان می‌دهد که پرخاشگری در دوران پیش‌دانشگاهی کاهش می‌یابد.

جدول ۲: آزمون همبستگی برای سنجش متغیرهای پژوهش

| گروه‌ها                | پرخاشگری | خود شیفتگی سازگارانه | خود شیفتگی ناسازگارانه | عزت نفس بالا |
|------------------------|----------|----------------------|------------------------|--------------|
| پرخاشگری               | ۱        |                      |                        |              |
| خود شیفتگی سازگارانه   | ۰/۱۴**   | ۱                    |                        |              |
| خود شیفتگی ناسازگارانه | ۰/۲۹**   | -۰/۱۲۶**             | ۱                      |              |
| عزت نفس بالا           | ۰/۴۸**   | ۰/۵۴**               | ۰/۰۲                   | ۱            |

$P < 0/01^{**}$

جدول ۲ نشان می‌دهد ضریب همبستگی بین میزان خودشیفتگی سازگارانه و پرخاشگری در افراد  $r=0/14$  است. این میزان همبستگی با توجه به سطح معناداری آن ( $sig=0/001$ ) معنادار است. بدین معنی که این دو متغیر با همدیگر رابطه مثبت و معنادار دارند.

ضریب همبستگی به دست آمده بین میزان پرخاشگری و عزت نفس بالا در افراد  $r=0/48$  است. این میزان همبستگی با توجه به سطح معناداری آن ( $sig=0/001$ ) معنادار است. بدین معنی که این دو متغیر با همدیگر رابطه مثبت و معنادار دارند. ضریب همبستگی به دست آمده میان میزان خودشیفتگی سازگارانه و عزت نفس در افراد  $r=0/54$  است. این میزان همبستگی

رابطه خودشیفتگی و عزت نفس با پرخاشگری و مقایسه تحولی آن در دختران نوجوان ..... ۱۳۷

با توجه به سطح معناداری آن ( $\text{sig}=0/001$ ) معنادار است. بدین معنی که این دو متغیر با همدیگر رابطه مثبت و معنادار دارند. برای شناسایی متغیرهایی که بیشترین همبستگی را با متغیر ملاک (پرخاشگری) دارند از تحلیل رگرسیون گام به گام استفاده شد.

جدول ۳: نتایج رگرسیون گام به گام عزت نفس و خودشیفتگی برای پیش بینی پرخاشگری

| T     | B     | سطح معناداری | F      | R 2  | R چندگانه | پیش بینی کننده‌ها     |
|-------|-------|--------------|--------|------|-----------|-----------------------|
| ۳۴/۰۷ | -۰/۴۸ | ۰/۰۰۱        | ۱۶۱/۶۸ | ۰/۲۳ | ۰/۴۸      | عزت نفس               |
| ۳۰/۶۷ | -۰/۵۳ | ۰/۰۰۱        | ۱۰۹/۳۴ | ۰/۲۹ | ۰/۵۴      | خودشیفتگی*<br>عزت نفس |

جدول ۳ رگرسیون با روش گام به گام نشان می‌دهد که عامل عزت نفس به تنهایی ۲۳ درصد از تغییرات پرخاشگری دختران را پیش بینی می‌کند و در گام بعدی که عامل خودشیفتگی وارد می‌شود این مقدار به ۲۹ درصد می‌رسد. میزان f به دست آمده در هر دو متغیر بالا و با سطح معناداری  $\text{sig}=0/001$  است. همچنین ضریب بتای استاندارد در متغیر عزت نفس  $-0/48$  و در متغیر خودشیفتگی  $-0/53$  است. این نتایج نشان می‌دهد متغیر عزت نفس قوی‌ترین پیش بینی کننده پرخاشگری از میان دو متغیر است که به تنهایی ۲۳ درصد از واریانس پرخاشگری را تعیین می‌کند. دومین متغیر وارد شده متغیر خودشیفتگی است که ورود این متغیر به تحلیل، ضریب تعیین را به میزان ۶ درصد افزایش می‌دهد و متغیرهای عزت نفس و خودشیفتگی در مجموع ۲۹ درصد از واریانس پرخاشگری را تعیین می‌کنند.

جدول ۴: آزمون تحلیل واریانس برای سنجش تفاوت خودشیفتگی دختران در اوایل، میانه و انتهای نوجوانی

| متغیرها    | منابع تغییرات      | مجموع مجذورها | درجه آزادی | میانگین مجذورها | F    | sig  |
|------------|--------------------|---------------|------------|-----------------|------|------|
| خود شیفتگی | واریانس بین گروهی  | ۵۶/۵۷         | ۲          | ۲۸/۲۸           | ۴/۴۷ | ۰/۰۱ |
|            | واریانس درون گروهی | ۳۳۳۵/۷۲       | ۵۲۸        | ۶/۳۱            |      |      |
|            | کل واریانس‌ها      | ۳۳۹۲/۲۹       | ۵۳۰        |                 |      |      |
| عزت نفس    | واریانس بین گروهی  | ۱۰۳۵/۲۵       | ۲          | ۵۱۷/۶۲          | ۸/۸۵ | ۰/۰۱ |
|            | واریانس درون گروهی | ۳۰۸۵۴/۲۷      | ۵۲۸        | ۵۸/۴۳           |      |      |
|            | کل واریانس‌ها      | ۳۱۸۸۹/۵۲      | ۵۳۰        |                 |      |      |
| پرخاشگری   | واریانس بین گروهی  | ۱۴۷۶/۸۱       | ۲          | ۷۳۸/۴۰          | ۴/۶۴ | ۰/۰۱ |
|            | واریانس درون گروهی | ۸۳۹۹۰/۲۷      | ۵۲۸        | ۱۵۹/۰۷          |      |      |
|            | کل واریانس‌ها      | ۸۵۴۶۷/۰۸      | ۵۳۰        |                 |      |      |

جدول ۴ میزان واریانس بین گروهی و میزان واریانس درون گروهی متغیرهای خودشیفتگی و پرخاشگری و عزت نفس دختران دانش آموز را در سه مرحله اوایل و اواسط و آخر نوجوانی نشان می‌دهد.  $f$  به دست آمده از تفاضل دو واریانس برای خودشیفتگی  $f=4/47$  و برای عزت نفس  $f=8/85$  و برای پرخاشگری  $f=4/64$  که همگی با سطح معناداری  $sig=0/01$  است. این میزان نشان می‌دهد بین عزت نفس و پرخاشگری و خود شیفتگی در دختران در دوره‌های مختلف تحول تفاوت معناداری دیده می‌شود. به منظور مشخص کردن تفاوت میانگین‌ها در دوره‌های مختلف از آزمون تعقیبی شفه استفاده شد.

جدول ۵: آزمون تعقیبی شفه

| متغیرها   | مقطع تحصیلی (الف) | مقطع تحصیلی (ب) | تفاوت میانگین | سطح معنی داری |
|-----------|-------------------|-----------------|---------------|---------------|
| عزت نفس   | راهنمایی          | دبیرستان        | $-2/60^*$     | 0/004         |
|           | دبیرستان          | پیش دانشگاهی    | $-3/38^*$     | 0/001         |
| خودشیفتگی | راهنمایی          | دبیرستان        | $-0/77$       | 0/64          |
|           | دبیرستان          | پیش دانشگاهی    | $-0/56$       | 0/97          |
| پرخاشگری  | راهنمایی          | دبیرستان        | $-0/77^*$     | 0/02          |
|           | دبیرستان          | پیش دانشگاهی    | $-0/70^*$     | 0/03          |
|           | راهنمایی          | دبیرستان        | $0/47$        | 0/93          |
|           | دبیرستان          | پیش دانشگاهی    | $4/01^*$      | 0/02          |
|           | دبیرستان          | پیش دانشگاهی    | $3/53^*$      | 0/03          |

آزمون تعقیبی شفه در جدول ۵ نشان می‌دهد تفاوت میزان عزت نفس بین دوره راهنمایی با دبیرستان ( $p=0/99$ ,  $t=-3/38$ ) و راهنمایی با پیش دانشگاهی ( $p=0/99$ ,  $t=-2/60$ ) معنادار است، اما این تفاوت بین دوره پیش دانشگاهی با دبیرستان دیده نمی‌شود. تفاوت میزان خود شیفتگی بین دوره پیش دانشگاهی با راهنمایی ( $p=0/95$ ,  $t=0/77$ ) و پیش دانشگاهی با دبیرستان ( $p=0/95$ ,  $t=0/70$ ) معنادار است، اما این تفاوت بین دوره دبیرستان با راهنمایی دیده نمی‌شود. تفاوت میزان پرخاشگری بین دوره پیش دانشگاهی با راهنمایی ( $p=0/95$ ,  $t=4/01$ ) و

رابطه خودشیفتگی و عزت نفس با پرخاشگری و مقایسه تحولی آن در دختران نوجوان ..... ۱۳۹

پیش دانشگاهی با دبیرستان ( $p=0/95, t=3/53$ ) معنادار است، اما این تفاوت بین دوره راهنمایی با دبیرستان دیده نشد.

## بحث و نتیجه گیری

همان طور که نتایج در جدول ۱ نشان می دهد در دوره راهنمایی اوایل نوجوانی میانگین عزت نفس پائین بوده و میانگین پرخاشگری بیشتری گزارش شده است. این یافته با مدل عزت نفس خودشیفتگی کرامر و جونز (۲۰۰۸) هماهنگ است آنها معتقد هستند، افراد خودشیفته ناسازگار ترکیبی از عزت نفس آشکار بالا و عزت نفس ضمنی پایین (عزت نفس دفاعی) را نشان می دهند.

یافته دیگر پژوهش این بود که بین پرخاشگری و خودشیفتگی ناسازگاران رابطه مثبت معناداری وجود دارد، یک تبیین احتمالی از رابطه خود شیفتگی و پرخاشگری در دوره نوجوانی این است که آنها بیشتر از کودکان به کسب تصویر مثبت از دید دیگران مایل هستند (هارتر<sup>۱</sup>، ۲۰۰۶؛ و روزنبرگ<sup>۲</sup>، ۱۹۸۶). این یافته با نتایج راسکین (۱۹۹۸) نیز هماهنگ بوده و حاکی از این است که چون افراد خودشیفته، خودبزرگ بین بوده و نگرشی بسیار مثبت به خود داشته، در مقابل انتقاد و سرزنش بسیار حساس هستند و دوست دارند مرکز توجه بوده و از طرف دیگران تأیید شوند، به همین دلیل وقتی این ویژگی ها را دیگران نقض می کنند، پرخاشگری در این افراد برانگیخته می شود. بامیستر و همکاران (۲۰۰۰)، کارکرد پاسخ های پرخاشگرانه را، حفظ ادراک مطلوب غیرواقعی<sup>۳</sup> درباره خود به وسیله رد فعالانه اطلاعات منفی دریافت شده از یک منبع بیرونی می دانند.

همچنین پایزواکارل (۱۹۹۸) به این نتیجه رسیدند که افراد با عزت نفس بالا و سطوح بالای خودشیفتگی بسیار محتمل بود که خشم نشان دهند، در حالی که افراد با عزت نفس بالا و خودشیفتگی پایین این گونه نبود. از سوی دیگرطبق نظر راسکین و همکاران (۱۹۹۸) حتی اگر خصومت و عزت نفس به هم وابسته نباشند، وقتی که جنبه ناسازگاران خودشیفتگی، یعنی خودبزرگ بینی و سلطه گری وارد می شوند، به صورت معنادار وابسته می شوند. به عبارت دیگر،

- 
1. Harter
  2. Rosenberg
  3. unrealistic favorable self- impression

افرادی که بسیار خصومت‌آمیز و پرخاشگرانه رفتار می‌کنند، اگر خودشیفته، خودبزرگ‌بین و سلطه‌گر باشند، عزت نفس بالانیز دارند. وقتی که ویژگی‌های فوق‌غایب هستند، خصومت و پرخاشگری بالاتر با عزت نفس پایین رابطه دارد و این مسئله تعامل عزت نفس و خودشیفتگی را در پیش‌بینی پرخاشگری تبیین می‌کند.

نتایج پژوهش حاضر حاکی از آن است که بین خودشیفتگی، عزت نفس و پرخاشگری دختران در اوایل، میانه و انتهای نوجوانی تفاوت معناداری وجود دارد. جدول ۵ نشان می‌دهد که بین اوایل، میانه و انتهای نوجوانی در نمرات خودشیفتگی تفاوت معناداری وجود دارد و نمرات خودشیفتگی از اوایل به انتهای نوجوانی افزایش می‌یابد. این نتایج با تحقیقات کارلسون و جرد<sup>۱</sup> (۲۰۰۹) هماهنگ است آنها در مطالعه خود نشان دادند که نمرات خودشیفتگی از ۱۴-۱۸ سالگی افزایش می‌یابد. این مسئله ممکن است تغییرات طبیعی در رشد را منعکس کند. برای مثال، آیتم‌های مربوط به نگرانی درباره لیاقت (شایستگی) شخصی از اوایل نوجوانی به اواخر نوجوانی افزایش می‌یابد، افزایش پرخاشگری (جدول ۱) و تکانشگری در دوره اول نوجوانی حاکی از این است که نوجوانی که قبل از ۱۲-۱۱ سالگی به تبعیت تن در می‌داد و مایل بود که شرایط پیش‌بینی شده توسط بزرگسالان را بپذیرد، به ناگاه تغییر رویه می‌دهد و دیگر برخلاف سابق به آنچه بزرگسال می‌گوید و سابقاً مقبول او بود گردن نمی‌نهد و اینها به منزله کوششی است در راه عبور از سازشی که موقتاً در پایان دوره کودکی به وجود آمده است (اسلاتر، ۲۰۰۲). این در هم شکستن سازش‌ها که به شکل تظاهرات روانی جلوه‌گر می‌شوند تشویش و نگرانی والدین را به همراه دارند. آنها فرزند خود را سازش‌نا یافته می‌پندارند. از سوی دیگر بحران هویت نیز در نوجوانی نمایان می‌شود و از بافت آن جدایی‌ناپذیر است (منصور، ۱۳۷۸، ص ۱۹۸). در پی این تغییرات فاحش که در دوره نوجوانی در فرد پدیدار می‌شوند، پرخاشگری نیز از ویژگی‌های جدایی‌ناپذیر نوجوان است و به تدریج که نوجوان در انتهای نوجوانی فعال و مثبت می‌شود، دوباره به دیگران روی می‌آورد و پرخاشگری نیز در او کاهش می‌یابد (کارلسون و همکاران، ۲۰۰۹). تفاوت خودشیفتگی در دوره پیش‌دانشگاهی با دوره اول نوجوانی معنادار بوده و نتایج نشان می‌دهد که در دوره پیش‌دانشگاهی بر میزان خودشیفتگی دانش‌آموزان افزوده می‌شود. با توجه به این که ویژگی‌های

رابطه خودشیفتگی و عزت نفس با پرخاشگری و مقایسه تحولی آن در دختران نوجوان ..... ۱۴۱

مربوط به جرأت‌ورزی، در طی نوجوانی افزایش پایا نشان می‌دهند (کارلسون و جرد، ۲۰۰۹) و این ویژگی‌ها با خودبستگی مرتبط هستند که در بیشتر مقیاس‌های خودشیفتگی دیده می‌شود؛ این نتایج مقبول هستند.

افزایش پرخاشگری در دوره راهنمایی (اوایل نوجوانی) را می‌توان این چنین تبیین کرد، که نگرانی درباره شایستگی شخصی در برابر همسال به عنوان یک پدیده رشدی نرمال در طی نوجوانی ذکر شده است (رایان و همکاران، ۱۹۹۴). نوجوانان بیشتر از کودکان به کسب تصویر مثبت از دید دیگران مایل هستند، و زمانی که احساس می‌کنند، این تصویر مثبت در حال فرو ریختن است، به شدت عصبانی می‌شوند (وبستر، ۲۰۰۶). به عنوان مثال، دیگران با اهمیت ندادن به نوجوان، انتقاد از او یا به رخ کشیدن چیز نادرستی که او گفته است، شکست دادن او در بازی، یا بسیاری موارد دیگر، خودشیفتگی او را جریحه دار کنند، و او معمولاً در چنین شرایطی با عصبانیت یا خشم شدید واکنش نشان می‌دهد (لاپسلی و آلسما، ۲۰۰۶).

همان‌طور که الکیند عنوان می‌کند، خودمحوری نوجوان در این مرحله باعث می‌شود که نوجوان خود را دارای قدرت مطلق، آسیب‌ناپذیر در مقابل خطرهای منحصر به فرد و... تصور کند.

جدول ۵ نشان می‌دهد که بین اوایل، میانه و انتهای نوجوانی در نمرات عزت نفس تفاوت معناداری وجود دارد و نمرات عزت نفس از اوایل به انتهای نوجوانی افزایش می‌یابد.

این نتایج با تحقیقات هینونن و همکاران (۲۰۰۵) همسو است آنها اظهار کرده‌اند که دوره نوجوانی یک دوره مهم برای رشد عزت نفس به خصوص قضاوت ارزیابانه فرد درباره خود یا احساسات کلی فرد از ارزشمندی خود است (هارتر، ۱۹۹۳؛ روزنبرگ، ۱۹۷۹؛ به نقل از هیونن و همکاران، ۲۰۰۵) و رفته‌رفته پایداری آن در طی نوجوانی افزایش می‌یابد (ترزنسکی و همکاران، ۲۰۰۳؛ هارتر، ۱۹۸۲).

در نوجوانی هویت «خود» رشد می‌یابد و با توانایی شناختی جدیدی که پیدا کرده است هویت خود را جستجو می‌کند. شایستگی در حل مشکلات، عزت نفس را در دوران نهایی نوجوانی افزایش می‌دهد. کودکانی که بهتر بتوانند مشکل خود را حل کنند، و از عزت نفس بالاتری برخوردار باشند، کمتر به سوی بزهکاری و استفاده از داروهای مخدر و الکل و مشکلات روانی کشیده می‌شوند (پاپ و مک‌هال، ۱۹۹۸؛ به نقل از اکبری آورزمان، ۱۳۷۲).

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد، که رفتارهای پرخاشگرانه در اوایل نوجوانی بیشتر از دوره‌های بعدی زندگی وجود دارد و بین اوایل، میانه و انتهای نوجوانی در نمرات پرخاشگری تفاوت معناداری وجود دارد و نمرات پرخاشگری از اوایل به انتهای نوجوانی کاهش می‌یابد. بنظر می‌رسد، هرچه نوجوان به دوره‌های بعدی تحول گام برمی‌دارد، رفتارهای پرخاشگرانه او کمتر می‌شود و بیشتر متوجه درون می‌شود (ترزنسکی و همکاران، ۲۰۰۳؛ هارتر، ۱۹۸۲). تفسیر رابطه عزت نفس پایین و پرخاشگری بالا در اوایل نوجوانی حاکی از این است، که نوجوانان در این سنین در شرایطی قرار می‌گیرند، که دائماً در معرض ارزیابی‌های منفی از جانب دیگران قرار می‌گیرند، چنین شرایطی آمادگی رفتارهای پرخاشگرانه را در آنها افزایش می‌دهد. با توجه به رابطه رفتارهای پرخاشگرانه با خودشیفتگی ناسازگار و عزت نفس پایین به نظر می‌رسد، تهیه برنامه‌های آموزشی مهارت‌های ارتباطی، برای والدین و معلمان نوجوانان در این سنین، می‌تواند ویژگیهای رفتاری نوجوانان را تحت تأثیر قرار دهند. ارائه برنامه‌های پیش گیرانه و مداخله‌ای نظیر کارگاه‌های آموزش مهارت‌های زندگی و ارتباطی که در آنها تأکید ویژه به آگاهی از جنبه‌های مثبت و منفی شخصیت نوجوان، در مراحل مختلف رشد باشد، اثر بسزایی بر فقدان شکل‌گیری مشکلات رفتاری نوجوانی خواهد داشت.

این تحقیق محدودیت‌هایی داشت، از جمله اینکه یافته‌های به دست آمده تنها مربوط به یک جنس است. لذا پیشنهاد می‌شود رابطه عزت نفس و خودشیفتگی با پرخاشگری در پسران نیز مطالعه شود. به نظر می‌رسد، انجام پژوهش‌هایی که در آن نقش خانواده، شیوه تربیتی والدین و همسالان را بررسی کند به تبیین هر چه بیشتر این مفهوم و بررسی علل وجودی آن کمک شایان توجهی می‌کند.



رابطه خودشیفتگی و عزت نفس با پرخاشگری و مقایسه تحولی آن در دختران نوجوان ..... ۱۴۳

## منابع

- اکبری آورزمان، حمیدرضا، (۱۳۷۲). *رابطه حمایت اجتماعی مؤسسات رفاهی (کمیته امداد) با عزت نفس فرزندان خانواده‌های تحت پوشش، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی*
- پورشافعی، هادی، (۱۳۷۱). *بررسی رابطه عزت نفس با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان سال سوم متوسطه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه تربیت معلم.*
- جوادی، فاطمه، (۱۳۷۵). *مقایسه خلاقیت دانش‌آموزان دختر و پسر خودشیفته و ناخودشیفته در دبیرستان‌های تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی دانشگاه علامه طباطبایی.*
- ذوالفقاری، اکرم السادات، (۱۳۷۶). *بررسی روائی و اعتبار پرسش‌نامه عزت نفس کوپر اسمیت در دبیرستان‌های اصفهان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه تهران.*
- زاهدی‌فر، شهین، (۱۳۷۹). *ساخت و اعتباریابی مقیاسی برای سنجش پرخاشگری.* <www.sid.ir>
- منصور، محمود، (۱۳۷۸). *روانشناسی ژنتیک تحول روانی از تولد تا پیری، تهران، سمت.*

- American Psychiatric Association, (1994).** *Diagnostic and statistical manual of mental disorders*, (4<sup>th</sup>-Ed). Washington, DC:Author.
- Barry,T.C, Grafeman, G.S, Adler K.K & Picard D.J, (2007).** The relationsamong narcissism, self esteem and delinquency in a sample of at-risk adolescents, *Journal of adolescence*, (44), 120-132.
- Barry.C.T, Pickard.J.D & Ansel. L. L, (2009).** The associations of adolescent invulnerability and narcissism with problem behaviors, *Journal of personality and individual differences*. xxx, xx-xxx: Article in press.
- Baumeister. R. F, Bushman.B. J & Campbell.W.K, (2000).** Self esteem, narcissism and aggression: does violent result from low self esteem or from threatened egotism, *Journal of personality and individual differences*, (26). , 115-130.
- Battle J, (1992).** *Culture Free Self Esteem Inventories*, 2nd ed. Austin, TX: Pro-Ed.
- Carlson. K. s & Gjerd. P. F, (2009).** Preschool personality antecedents of narcissism in adolescence and young adulthood: A20- year longitudinal study, *Journal of research in personality*, (43). , 570-578.

- Cramer. P & Jones. C. J, (2008).** Narcissism, identifications and longitudinal change in psychological health: dynamic predictions, *Journal of research in personality* (42), 1148-1159.
- Donnellan.M.B, Trzesniewski, K. H, Robins, R. W, Moffitt, T. E & Caspi, A, (2005).** Low Self-esteem is related to aggression, antisocial behavior, and delinquency, *Psychological Science*, 16, 328 –333.
- Goode,E, (2002).** Deflating self esteem's role in society's liis, *The new York times*, PP.D1,D6.
- Harter, S, (2006).** Self concepts and self- esteem, children and adolescent, *Encyclopedia of applied developmental science*, vol, 2, 977-978.
- Harter, S, (1982).** *Developmental changes in children's understanding of simple multiple and blended emotion*, Combridge, England: Combridge university press.
- Heinonen. K & Raikkonen. K, (2005).** Self esteem in early and late adolescence predicts dispositional optimism- pessimism in adulthood. A 21- year longitudinal study, *Journal of personality and individual differences*, (39). 511-521.
- Lapsely. D. k & Aalsma. M. C, (2006).** An empirical typology of narcissism and mental health in late adolescence, *Journal of adolescence*, (29). 53-71.
- Papez.J & O'carroll, R.E, (1998).** Aggression, Narcissism, Self esteem and the attribution of desirable and humanizing traits to self Versus others, *Journal of research in personality*, (90), 75-86.
- Pincus.A. L, Caine. N. M & Ansel. E. B, (2008).** Narcissism at the crossroads: Phenotypic description of pathological narcissism across clinical theory, social/ personality psychology, and psychiatric diagnosis, *Journal of clinical psychology review*, (28). 638-656.
- Rayan, R, M, (1994).** Psychological needs and the facilitation of integrative processes, *journal of personality*, 63, 317-347.
- Raskin, R & Terry, H, (1998, May).** A principal- components analysis of of the personality inventory and further evidence of its construct validity, *Journal of Personality and Social Psychology*, 54 (5), 890-902.
- Rhodes. J, Roffman. J, Reddy. R & Fredriksen. K, (2004).** Changes in self esteem durig the middle school years: a latent growth curve study of individual and contextual influences, *Journal of school psychology*, (42).243-248.
- Rosenberg, M, (1986).** *Society and the adolescent self- iage*, Princeton, NJ: Princeton university Press.
- Slater, (2002).** *The trouble with self-esteem :Maybe thinking highly of yourself is the real problem.* New York Times Magazine, Section 6, p. 44
- Terzinsky, J. Campbell.W.K & Twenge, J. M, (2003).** Individual differences in narcissism: Inflated self views across the life span and around the world, *journal of research in personality* (37). 469-478.
- Webster, G. D, (2006).** Low self-esteem is related to aggression, but especially when Controlling for gender, *A replication and extension of Research in Social Psychology*, 29, 12 – 18.